

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Investigating and Explaining Culture-building Patterns in the Life of Indigenous Regions of Iran
(Case Study: Havraman Region)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

بررسی و تبیین الگوهای فرهنگ‌ساز در زندگی مناطق بومی ایران زمین (مورد مطالعه: منطقه هورامان)*

امیر کدخدامحمدی^۱، فریبرز دولت‌آبادی^{۲*}، هادی کابلی^۳

۱. پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران.
۲. استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران.
۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

چکیده

بیان مسئله: فرهنگ یک منطقه معرف نوع زندگی و باور مردمان آن منطقه محسوب می‌شود که در گذر زمان شکل گرفته است. باتوجه به تغییرات سریع شیوه زندگی تحت الگوهای بیگانه و مدرن، توجه به مسائل فرهنگ بومی در نقاطی که دارای هویت جداگانه به‌لحاظ زندگی و تفکرات اجتماعی هستند، امری ضروری به نظر می‌رسد.

هدف پژوهش: هدف تحقیق مشخص کردن سطوح فرهنگ و تبیین مؤلفه‌های فرهنگ بومی در منطقه هورامان بر مبنای میزان تعلق خاطر ساکنان است.

روش پژوهش: روش تحقیق پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است، که بخش توصیفی پژوهش، بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است و بخش تحلیلی با استناد بر خروجی‌های حاصل از مبنای نظری به صورت میدانی در منطقه بومی هورامان انجام شده است. این بخش خود شامل دو فاز است، در فاز اولیه، عناصر فرهنگی منطقه هورامان شناسایی و معرفی شده است و سپس در گام دوم بر اساس پرسشنامه، نظریات ۳۰۰ نفر از ساکنین منطقه هورامان مورد واکاوی قرار گرفته است، تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار «SPSS» انجام شده است و خروجی‌ها در قالب جداول مکتوب تدوین شده‌اند. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد فرهنگ از سه سطح ابتدایی، میانی و پایانی تشکیل شده است، سطح اولیه بر مبنای مشاهدات عینی و ذهنی ساخته می‌شود، سطح دوم بر مبنای هنجارها و قوانین منجر به شکل‌گیری انتخاب در آدمی می‌شود و سپس در سطح سوم، الگوی زیست که زاییده جهان‌بینی است به وجود می‌آید، این سه سطح فرهنگی در منطقه هورامان از نگاه ساکنین شکل گرفته است و منجر به ایجاد فرهنگ بومی متفاوت نسبت به سایر نقاط ایران شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، بومی، ایران، هورامان، الگو.

مقدمه و بیان مسئله

بسیاری از نقاط کشور ایران را مناطقی تشکیل داده‌اند که دارای بافت ارگانیک و بومی هستند، مناطقی که

به‌لحاظ الگوی زندگی و رفتاری با زندگی شهری دارای تمایز هستند و به تعبیری دارای فرهنگی متمایز از بافت شهری هستند، براین اساس بررسی مؤلفه‌های مؤثر در کیفیت ساختار زندگی ساکنین موضوعی قابل توجه

دکتر هادی کابلی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب در حال انجام است.
**نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۲۴۸۵۵۴۸_f_dolat@yahoo.com

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری امیر کدخدامحمدی تحت عنوان «خوانش پدیدارشناسی معماری مسکونی هورامان تخت از منظر هستی‌شناسی» است که به راهنمایی دکتر «فریبرز دولت‌آبادی» و مشاوره

بی‌مکانی و بی‌خانگی انسان نتیجهٔ چنین شیوهٔ زیستنی است (احمدی، ۱۳۹۶، ۳۱). می‌توان چنین بیان کرد که معماری و الگوی زیست انسان امروز تحت تأثیر الگو و فرهنگ بیگانه در حال تغییر است که تأثیر آن در وهلهٔ اول در مناطقی به چشم می‌آید که دارای فرهنگ و زندگی بومی هستند، لذا این پژوهش درصدد آن است که با شناخت مؤلفه‌های فرهنگی در منطقهٔ هورامان که یکی از نقاط مهم تاریخی و فرهنگی در کشورمان محسوب می‌شود، به ارائهٔ راهکارهایی جهت ارتقاء و حفظ فرهنگ مناطق سنتی بردارد و پرسش اصلی این پژوهش نیز چنین است که چه مؤلفه‌هایی در فرهنگ‌سازی و باور مردمان ساکن در منطقهٔ بومی هورامان اثرگذار است و میزان تعلق خاطر ساکنین نسبت به این شاخص‌های فرهنگی چگونه است؟

پیشینهٔ پژوهش

یکی از مهم‌ترین ابعادی که در طراحی محیط باید به آن دقت شود فرایند احساس، ادراک و شناخت محیطی است که تجربهٔ مکان را برای انسان هموار می‌سازد. برای ساختن محیط‌های سازگار و متناسب با نیازهای ادراکی-رفتاری شهروندان باید شناخت صحیح از رابطهٔ بین انسان و محیط و مؤلفه‌های فرهنگی و هویتی یک فضا به دست آورد. به این منظور پژوهش‌های مختلفی به جهت جایگاه فرهنگ و معیارهای آن در معماری، فضا، زندگی و... انجام شده است. تاکنون در جهان تأثیر ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی در مناطق بومی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس تحقیقات مردم‌شناسی ادوارد هال^۱ و مطالعات فرهنگی آموس راپاپورت^۲ حائز اهمیت فراوان است. در این خصوص راپاپورت وجه فرهنگ‌پذیری و فرهنگ‌سازی مسکن را برجسته‌تر کرده است و تأکید بر ایجاد مسکن بر اساس شاخص‌های فرهنگی هر منطقه دارد. خواست‌ها و نیازهای انسان که منبعث از عوامل مختلف مادی و معنوی هستند، در معماری بومی انعکاسی مستقیم دارند. معماری بومی، ساختاری برخاسته از سنت مردمی است که ترجمان مستقیم و ناخودآگاه نیازها، ارزش‌ها و همچنین تمایلات و غرایز یک قوم به زبان فرهنگ مادی آن ملت است (راپاپورت، ۱۳۸۸، ۸۵). در نمونهٔ داخلی، نجار نجفی نسبت فرهنگ و معماری را با «ساختن و ساخته‌شدن» بیان کرده که در آن، فرهنگ و معماری، متقابلاً و در تعامل، یکدیگر را می‌سازند (نجار نجفی، ۱۳۹۴). برخی صاحب‌نظران به منظور بررسی نسبت فرهنگ و محیط مصنوع، برای مؤلفه‌های فرهنگ سطوحی از ابعاد ذهنی و ناخودآگاه تا مؤلفه‌های ملموس و عینی را پیشنهاد

است. آن‌چه که به زندگی در مناطق بومی جهت می‌دهد، نیازهای روزمرهٔ مردم عادی است که به دور از هرگونه سبک‌گرایی، مُدگرایی و یا حتی شرایط سیاسی و حکومتی شکل می‌گیرد. رفتارهای روزانه که بر مبنای کنش‌های متقابل انسان و محیط شکل می‌گیرند، به همراه هنجارهای اجتماعی فرهنگی، مهم‌ترین عوامل شکل‌دهندهٔ معماری و زیست در مناطق بومی به شمار می‌روند (خاکپور، انصاری، شیخ مهدی و طاووسی، ۱۳۹۴، ۳). مفاهیم فرهنگی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در طراحی بومی به‌شمار می‌روند؛ چه بسا که بسیاری از فضاها برای تأمین خواست‌ها و اهداف فرهنگی طراحی می‌شوند (Abdel-Azim & Osman, 2018). آن‌چه که به زندگی مناطق روستایی و بومی معنی می‌بخشد، عادت‌ها، باورها و باید و نبایدهای اجتماعی است که در گذر زمان بر اساس سنت و هویت مردمان آن منطقه نهادینه شده است و می‌توان از آن به عنوان فرهنگ یاد کرد. فرهنگ به معنای چیزی است که بسیاری از مردم به آن فکر می‌کنند، اعتقاد دارند و انجام می‌دهند (Rapoport, 2003, 131). عوامل مختلف کالبدی، معنایی، کارکردی یک منطقه به عنوان بستری برای پاسخ‌گویی به نیازها و ظرفی برای فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین محسوب می‌شوند که الگوهای سازندهٔ این عوامل ریشه در ویژگی‌های فرهنگی و هویتی یک منطقه دارند. معماری ظرفی است برای زندگی، و در تجربهٔ زیسته است که معنای عمیق خود را بازمی‌یابد. خانه اولین مکانی است که تجربه‌های زیستهٔ آدمی را شکل می‌دهد. جهان این خانه بدو خیال، اندیشه و رؤیاهای آدمی را می‌سازد. از این رو در این دیدگاه انسان به عنوان مظهر و خانه به عنوان ظرف در یک فرایند ارتباطی غیرمستقیم و همچنین سازندهٔ خاطرات قرار دارند. خاطراتی که انسان با رجوع به آن می‌تواند اصول زندگی را استخراج و پایبندی خود را برای تداوم آن، دنبال نماید. هر مکان هویت مشخص و ویژهٔ خود را دارا است و بهترین کاری که از عهدهٔ انسان بر می‌آید درک این هویت و پاسداشت از آن در روندی پایان‌ناپذیر است. مکان‌ها، زندگی و اشیاء در گذشته با همدیگر در تعامل بودند و جهان انسان را می‌ساختند و انسان‌ها نسبت به محیط خود احساس تعلق داشته و محیط برای آن‌ها دارای هویت بود و لذا به عنوان گستره‌ای از کیفیت‌ها و معانی تجربه می‌شد، ارتباط درهم‌تنیدهٔ بین انسان و محیط، پایه‌های لازم را برای مشارکت جمعی و سهیم‌شدن در جهانی مشترک فراهم می‌کرد (پرتوی و آزاد، ۱۳۹۲، ۲۱۸). این در حالی است که انسان مدرن با عوض کردن مکان زندگی‌اش، دیگر حس درستی از مکان زیست خود ندارد. زمین نه مکان زیست، بل ابزار بهره‌رسانی شده است.

مجموعه‌ای از اعتقادات و ادراکات، ارزش‌ها و هنجارها، رفتارهای اجتماعی یا گروهی؛ دوم، فرهنگ شامل الگوهای مشترک دانش، احساسات یا رفتار یک فرد یا گروه؛ سوم، فرهنگ شامل انتقال این باورها، ارزش‌ها و شیوه رفتار از نسلی به نسل دیگر و چهارم، تجلی فرهنگ در محیط کالبدی. لذا خانه‌ها، سکونتگاه‌ها و تمام محیط انسان ساخت متأثر از فرهنگ هستند و ارزش‌های فرهنگی را منعکس می‌کنند (Altman & Chemers, 1984). فرهنگ را می‌توان شامل هرآنچه که خصوصیات ویژه‌ای به انسان‌ها می‌دهد در نظر گرفت، در تعریف فرهنگ به سه مورد اصلی اشاره شده است که می‌تواند هدف اصلی در استفاده از فرهنگ را مشخص کند که در آن سه مورد، روش زندگی، جنبه‌های ذهنی انسان و عادات و همسازی با محیط‌های مختلف هستند.

روش زندگی به نوع زندگی انسان‌ها که برمی‌گزینند، مربوط می‌شود و بر قواعد و قوانین، ایده‌آل‌ها، رفتارهای روزمره زندگی و نظایر آن پابرجا است، به عبارتی شامل کلیت الگوهای رفتاری و تمایل هنجاری که از طریق فرایندهای اجتماعی تکامل می‌یابند است (هنری، ۱۳۸۱، ۲۳۲). بنابراین فرهنگ هم زندگی، هم الگوی مصرف را شامل می‌شود و هم قدرتی که از این ناحیه کسب می‌شود. سلیقه، آداب معاشرت و مد به منزله علائم داشتن جا در نردبان اجتماعی شناخته می‌شوند. بر این مبنا می‌توان چنین گفت که سبک زندگی برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک میان یک گروه و یا یک جامعه است که به صورت رفتار مشترک ظاهر می‌شود. اصطلاحی که در موارد متعدد با پاره فرهنگ مترادف است (مانند سبک زندگی حومه‌نشینان) (Mckee, 1969, 81). وبر سبک زندگی را برگرفته از رفتار می‌داند که خواسته‌ها و تمایلات آن را هدایت و مدیریت می‌کند و فرصت‌های زندگی، بستر بروز آن را فراهم می‌کند (هندری، ۱۳۸۱، ۲۳۱). می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که سبک زندگی تجلی رفتاری مکانیسم روحی و عادات فکری و معرفتی است (Veblen, 1899, 105) که معرف فرهنگ فردی یا جمعی می‌شود.

جنبه‌های ذهنی انسان‌ها به الگوواره‌های ذهنی، زبانی و حتی انتخاب بستر زندگی و نحوه استفاده از قرارگاه‌های رفتاری مربوط می‌شود، که این جنبه‌ها از نسلی به نسل دیگر از طریق تبادلات فرهنگی انتقال پیدا می‌کند. طرحواره‌های ذهنی، به طور مستقیم از طریق فعالیت‌های واقعی و تجربیات فردی و اجتماعی زندگی هر فرد، شکل می‌گیرند (گاردنر، ۱۴۰۱، ۱۰۲). کنش اندیشه به عنوان عملکرد و صورتی از «تعیینات انسان اجتماعی با خواسته‌های هدفمند فرد انسانی» توسط فعالیت و کار وی

کرده‌اند (Shcein, 2010) که این تفکیک به سطوح و اجزای مختلف، درک ابعاد و مطالعه مفهوم فرهنگ را تسهیل می‌کند. فرهنگ در مطالعه معماری بومی یا مردمی همواره نقشی مهم و اساسی داشته است و بسیاری از پژوهش‌هایی که در ارتباط با معماری بومی به انجام رسیده است، مضامین فرهنگی را مورد توجه قرار داده‌اند (Glassic, 2000; Heath, 2009; Oliver, 2006). برخی از اندیشمندان به بررسی نقش الگوهای محیطی نظیر اقلیم بر ایجاد فاکتورهای فرهنگی و معماری پرداخته‌اند (نیکقدم، ۱۳۹۴، مولانایی و سلیمانی، ۱۳۹۵)، همچنین، پوردیهمی فرهنگ و ارتباط آن با زندگی را مورد بررسی قرار داده است و معتقد است که فرهنگ یک مفهوم و ساختار نظری است، از سوی دیگر یک ویژگی برای بسیاری از موضوعات نظیر تفکر انسان، جهان‌بینی، دیدگاه، رفتار و چگونگی انجام آن است و باید در طراحی بر اهمیت فرهنگ در محیط‌های مصنوع تأکید شود (پوردیهمی، ۱۳۹۰). اما آنچه که هم در مطالعات فرهنگی مرتبط با معماری به صورت عام و هم در بررسی الگوهای معماری بومی به صورت خاص چندان مورد بررسی قرار نگرفته است؛ بررسی و تبیین الگوهای فرهنگی در زندگی بومی و اثرات آن در رفتار و کیفیت زندگی ساکنان است، بدین‌منظور پژوهش حاضر نقش الگوهای فرهنگی و اثرات آن را در شکل‌گیری محیط مصنوع و زندگی ساکنان منطقه بومی هورامان مورد واکاوی قرار می‌دهد.

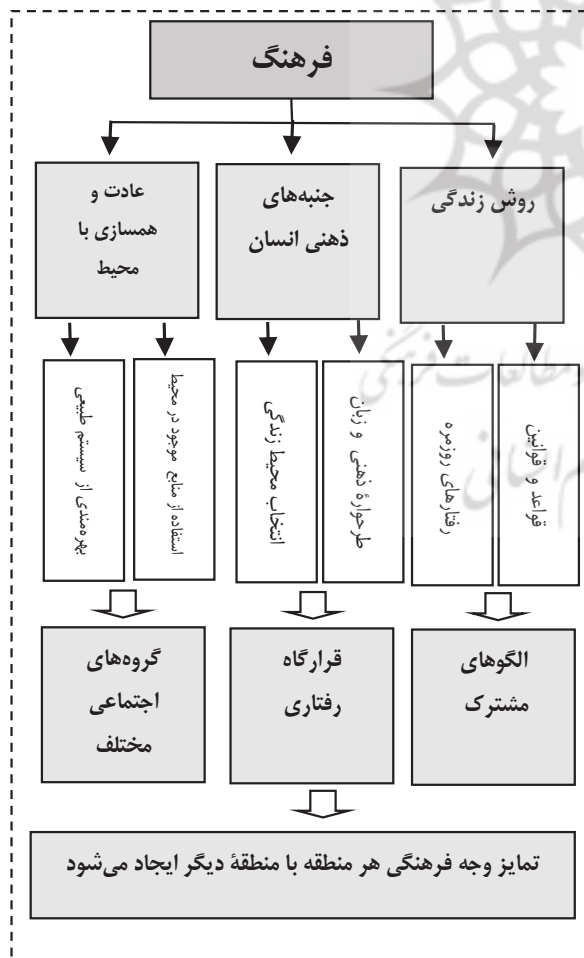
مبانی نظری

• **چیستی فرهنگ و جایگاه آن در زندگی**
 فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» است که «فر» به معنای شکوه و عظمت و در حالت پیشوندی به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است (دهخدا، ۱۳۸۷). فرهنگ را از جهتی به «فرهنگ مادی» و «فرهنگ معنوی» تقسیم کرده‌اند (آشوری، ۱۳۸۱). فرهنگ مادی را می‌توان این‌گونه بیان کرد که شامل همه وسایل مادی و آنچه به دست بشر از مواد طبیعی ساخته شده است؛ و فرهنگ معنوی زاینده ارزش‌ها، اندیشه‌ها، باورها، دانش و فن‌ها، دین، آداب و سنت‌ها، علوم و فلسفه، هنر و همه دستاوردهای ذهنی انسان مطرح می‌شود (پوردیهمی، ۱۳۹۰، ۴). فرهنگ شامل همه بن‌مایه‌های مادی و معنوی زندگی جمعی است که فرد در درون آن زاینده و پرورش می‌یابد و از این راه به او «هویت فرهنگی» ارزانی می‌شود که کل باورها و اصول رفتاری او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آلتمن نقش فرهنگ در ارتباط انسان و محیط را با تمایز چهار ویژگی فرهنگ تعریف می‌کند: اول، فرهنگ برپایه

اجتماعی است، هدف اصلی جداسازی گروه‌های مختلف، مشخص کردن تفاوت آنها با یکدیگر است لذا در ترکیب جنبه‌های مختلف فرهنگ با یکدیگر، می‌توان مشاهده کرد که تأکید اصلی بر روش زندگی افراد و اصول زندگی اجتماعی آنان است.

• تقسیم‌بندی سطوح فرهنگ

اگر فرهنگ را برآمده از روش زندگی، جنبه‌های ذهنی انسان و سازگاری با محیط بدانیم میزان اثرگذاری آن را می‌توان در سه سطح تقسیم‌بندی کرد. سطح اول پدیده‌های محسوس و عینی هستند که شامل کلیه مصنوعات، هنر، نظام‌های فعالیت، روابط اجتماعی، محیط کالبدی و مواردی از این دست است. سطح دوم یا به عبارتی سطح میانی، شامل انتظارات، استانداردها، هنجارها و قوانین است و در نهایت سطح سوم یا متعالی شامل جهان‌بینی، ارزش‌ها، ایده‌آل‌ها تصورات، انگاره‌های ذهنی و معانی است (Rapoport, 2003, 69). براین اساس این سه مؤلفه می‌تواند در میزان سنجش فرهنگ هر منطقه از منطقه‌ای



تصویر ۱. مؤلفه‌های سازنده فرهنگ. مأخذ: نگارندگان.

و در روند تبدیل عینی و عملی که بر روی طبیعت است، صورت می‌پذیرد (ابلینکوف، ۱۳۹۸، ۲۴۴). این لایه را می‌توان لایه واسطه فرهنگ نام برد که این قابلیت را دارد که بین عمل فرد و نظام‌های اجتماعی که به آن عمل معنا می‌بخشند، پیوند برقرار کند. چرا که «همه اشکال فرهنگ، فقط اشکال فعالیت خود انسان است» (کوزولین، ۱۳۸۱، ۳۰۴).

سازگاری با محیط به عناوینی نظیر استفاده از منابع موجود در محیط و اصول خاصی که انسان برای استفاده از سیستم‌های طبیعی در محیط‌های مختلف برای بقاء و پایداری خود کشف کرده، نظر دارد. سازگاری انسان و محیط در همه تعاملات انسان با محیط قابل مشاهده است. این موضوع از لحظه رویارویی و گزینش محیطی خاص برای حضور دائم یا موقت تا انتخاب و ساماندهی اجزای محیط شامل عناصر ثابت، نیمه‌ثابت و غیرثابت خود را نشان می‌دهد (افشاری، پوردیهیمی و صالح صدق‌پور، ۱۳۹۴، ۴). جان لنگ، مفهوم «سازگاری» را به‌عنوان «رابطه کیفی بین نظام‌های فعالیت انسانی و قابلیت‌های محیط» به دو صورت سازگاری مستقیم محیط با فعالیت‌های قابل مشاهده انسان و سازگاری محیط با معانی نمادین فعالیت انسان دسته‌بندی کرده و آن را یکی از معیارهای اصلی کارآمدی محیط دانسته است (لنگ، ۱۳۸۱، ۱۳۲). الکساندر به سازگاری الگوی رویدادها و الگوی فضاها اشاره کرده است. الگوی رویدادها همواره با الگوهای صوری خاصی در فضا پیوندی ناگسستگی دارند. از نظر وی، بخش اعظم «ساختار» هر بنا یا شهر متشکل از الگویی از نسبت‌ها (ابعاد و فضا) و روابط است، زیرا این نسبت‌ها هستند که به طور مستقیم با الگوی رویدادها سازگارند (الکساندر، ۱۳۸۱، ۵۴). از دیدگاه انسان‌شناسی، سازگاری به معنای تطابق انسان با محیط خود است که می‌تواند به دو صورت زیستی و فرهنگی صورت گیرد (عسگری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۹۰، ۲۴۶). راپاپورت نیز به هم‌ساختی بین فرهنگ و محیط اشاره کرده است. محیط می‌بایست در خور گروه‌های بهره‌بردار باشد و جنبه تقویت‌کننده خود را حفظ کند (Rapoport, 2007) (تصویر ۱).

هدف از فرهنگ در روش زندگی، امکان ایجاد شرایطی برای ادامه زندگی است که از طریق ارائه ضوابط لازم برای چگونگی شکل‌گیری آن مطرح می‌شود. هدف از جنبه‌های ذهنی کنترل همه مواردی است که در روش زندگی وجود دارد. این ویژگی‌ها نه تنها کنترل را از راه تطابق موارد فوق با طرح‌واره‌های ذهنی افراد امکان‌پذیر می‌نماید، بلکه عامل مهمی برای پدیدآوردن معنی نیز هست. همسازی در محیط‌های مختلف، تعریفی برای مشخص کردن گروه‌های

دیگر مؤثر باشد و منجر به تمایز هویتی و فرهنگی بومی - منطقه ای شود (تصویر ۲).

• فرهنگ بومی

فرهنگ‌ها مظاهر گوناگونی دارند و علی‌رغم این تفاوت‌های ظاهری دارای شباهت‌هایی انکارناپذیرند. در سایر مظاهر فرهنگ کشور ایران معانی عمیقی نهفته است و مناطق با الگوی بومی در این فرهنگ حاوی معانی باطنی است. به‌خصوص اینکه در ایران خرده‌فرهنگ‌های بسیاری وجود دارد و مردم از موراثت تاریخی متکثر و متنوعی برخوردارند اما این تنوع و تفاوت‌های آن دارای محتوای درونی مشترکی است که همه آنها را تحت یک مجموعه کلی ساماندهی می‌کند (علی‌محمدی و عبدالهی، ۱۳۹۶، ۳۷). فرهنگ بومی غالب در یک منطقه، هویتی خاصی به آن منطقه و ساکنان آن می‌بخشد و این هویت بومی در کنار تمایز آشکاری که بین ساکنان مناطق مختلف به‌وجود می‌آورد، غرور ملی را هم سبب می‌شود، مهم‌ترین عناصری که در تمایز فرهنگ بومی هر منطقه می‌توان به آن اشاره کرد شامل:

- زبان، گویش و لهجه بومی
- جشن‌ها و مراسم بومی و محلی
- آیین‌های مذهبی
- موسیقی و آوازهای محلی
- معماری غالب در یک منطقه
- غذاهای بومی و محلی

-لباس‌های محلی و بومی و... برحسب نیاز انسان‌های آن منطقه در گذر زمان در سه سطح محسوس و عینی، هنجارها و استانداردها و جهان‌بینی رشد و ترقی یافته است. زیست‌بوم، طبیعت، جغرافیا، اکولوژی، محیط، منابع و روش‌هایی است که کنشگران انسانی با آنها زندگی می‌کنند و بقا می‌یابند. زیست‌بوم، فرهنگ را و فرهنگ نیز انواع رفتارها را شکل می‌دهد. به‌طور خلاصه، روش ساده تفکر درباره فرهنگ، قراردادن آن بین زیست‌بوم و رفتار

اجتماعی است، یعنی رابطه تصویر ۳ (ترینان‌دیس، ۱۳۷۸، ۵۷).

بنابراین واقعیت‌های مربوط به بوم و محیط می‌تواند بر فرهنگ اثر بگذارد و خصوصیات رفتاری را فراهم کند. هنگامی که کل پیچیده فرهنگ تحت تأثیر دلالت‌های توپولوژیک و محیطی قرار گیرد به‌گونه‌ای که بتوان تأثیر بوم و زیست را در آن مشاهده کرد، آن را فرهنگ بومی می‌نامیم (حسنی، ۱۳۹۵، ۱۵). بنابراین از آنجاکه رابطه فرهنگ و محیط (بوم) در هورامان رابطه‌ای تعاملی و تنگاتنگ است، می‌توان از فرهنگ بومی هورامان سخن گفت.

روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده و اطلاعات موردنیاز در بخش توصیفی با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است و سپس در بخش تحلیلی با توجه به ماهیت پژوهش که هدف اصلی آن، شناخت و موفقیت عناصر فرهنگی مؤثر در کیفیت زندگی ساکنان منطقه بومی هورامان تخت است ساکنین حاضر در بافت هورامان به عنوان محدوده پژوهشی انتخاب شدند. در بخش اصلی تحقیق، یعنی مطالعه موردی از روش میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و حضور در هورامان بوده است. با توجه به گوناگونی معیارهای مورد بررسی در روند مطالعه، پرسشنامه‌ای با ۳۰ سؤال براساس طیف لیکرت طراحی شد. توزیع پرسشنامه‌ها در میان افرادی صورت گرفت که الزاماً ساکن بوده‌اند و از اهالی محسوب می‌شدند و حجم نمونه با سطح اطمینان ۹۵ درصد با خطای نمونه‌گیری ۱۰ درصد، ۳۰۰ نمونه انتخاب شده است. بدین ترتیب ۳۰۰ پرسشنامه در کل توزیع می‌شود و حجم نمونه انتخابی ۳۰۰ است. پرسشنامه به نحوی تنظیم شده که در جهت سنجش معیارها و زیرمعیارهای فرهنگ و عناصر سازنده آن و



تصویر ۲. تقسیم‌بندی سطوح فرهنگ. مأخذ: نگارندگان با استفاده از Rapoport, 2003.

• **سطح اول فرهنگی، پدیده‌های عینی و محسوس** به منظور بررسی و سنجش مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد فرهنگ در منطقه هورامان مؤلفه سازنده در سه سطح بر مبنای نظری تقسیم‌بندی شده‌اند، در سطح اول به بررسی عناصر محسوس و عینی پرداخته شده است. در راستای شیوه زندگی و آداب و رسوم، که مرز اولیه و تمایز میان هر منطقه نسبت به منطقه‌های دیگر را ایجاد می‌کند، می‌توان چنین بیان کرد که هورامان مفهومی آسمانی است که بر زمین نشسته است. تاریخ، پیشینه و خاطرات موجود در سینه مردمان، از هم‌پیوندی بین انسان و طبیعت و در ارتباط بین زمین و آسمان شکل گرفته است. مکان هورامان، عالمی را با گردآوری زمین، آسمان، زمینیان و آسمانیان به ظهور می‌رساند. زمین با حرکت به سمت بالا در حال نزدیک شدن به آسمان و یکی شدن با آن است، زمینیان هم به تبع از زمین، ضمن یکی شدن و تعامل با همدیگر، پیوندی ناگسستنی با آسمان و آسمانیان برقرار کرده‌اند و با یگانگی این چهارگانه مکانی تمثیلی و مقدس را برای باشیدن و زندگی کردن پدیدار می‌نمایند. مردمان این دیار از دیرباز به زمین اهمیت زیادی داده و هر جا امکان داشته باشد به آبادانی آن همت گمارده‌اند (محمودپور، ۱۳۹۴، ۲۷). عبدالقادر بابانی مؤلف کتاب «سیرالاکراد» در خصوص هورامان چنین بیان می‌کند «همانا اورامان [هورامان] کوهی است در علو مکان، همسایه آسمان، بینندگان را از دور چنان به نظر آید که یک پاره‌سنگ است (فدائی نژاد، حناچی، رضانی و نظام، ۱۳۹۶، ۳۸). لذا می‌توان چنین بیان کرد که اولین فاکتور مؤثر در ایجاد فرهنگ متمایز این منطقه به واسطه نام آن ایجاد شده است. هورامان تخت به لحاظ موقعیت استقرار و هم از نظر معنایی دارای اهمیتی خاص در منطقه هورامان است. این خصلت ناشی از حضور پیرها (بزرگان دینی) به خصوص پیرشالیار و مرکزیت آن در قدیم و برگزاری مراسمات سالیانه عروسی پیرشالیار و کومسای

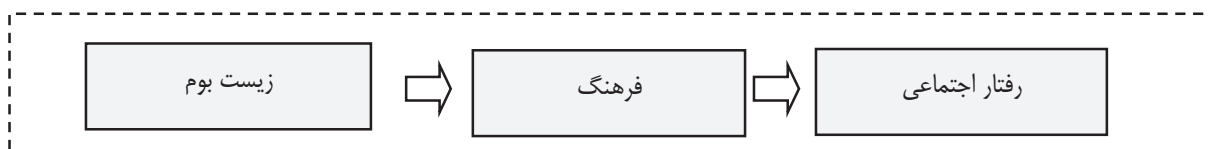
ادراک کاربران فضا و پاسخ به سؤالات و فرضیه پژوهش باشد و برای تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار «spss» به بررسی فاکتورهای مؤثر در ادراک ساکنین پرداخته شده است. روایی این پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصان و مشورت با اساتید و اندیشمندان مربوط در این حوزه مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با انجام آلفای کرونباخ در هر مؤلفه به میزان مطلوب به دست آمد (جدول ۱).

در مرحله اول پژوهش به بررسی و مطالعه کتابخانه‌ای مفاهیم «فرهنگ» و تأثیر ارزشمند آن در مناطق بومی ایران و لزوم بهره‌مندی از «مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد فرهنگ بومی» پرداخته شده است. مرحله دوم پژوهش به تحلیل «شاخص‌های فرهنگی و زندگی در منطقه هورامان» به عنوان یک فضای سکونتی بومی پرداخته تا نشان دهد که چه فاکتورهایی در گذر زمان در زیست فرهنگی این منطقه نقش ایفا کرده است و سپس در بخش سوم به سنجش موفقیت مؤلفه‌های فرهنگی از نگاه ساکنین در منطقه هورامان پرداخته شده است، که به دلیل نیاز به جامعه آماری در این بخش، پژوهش با روش کمی صورت پذیرفت، نکته اساسی در روند نمونه‌گیری این بود که گروه‌های خاصی ساکن در فضاهای بومی هورامان تخت به طور منظم از نمونه‌گیری مستثنی نشدند (دواس، ۱۳۸۸)، از این رو، نمونه‌گیری در فضاهای سکونتی هورامان توسط پژوهشگر در ساعات مختلف روز و حضور در تمامی فضاها، صورت پذیرفت.

بحث

• معرفی منطقه پژوهش

هورامان تخت در ۷۰ کیلومتری جنوب‌غربی شهر مریوان و مرکزیت منطقه هورامان به‌عنوان خانه خورشید، بر مکانی بلند و امن (وجه تسمیه) و به استحکام و ماندگاری سنگ‌های موجود در کوه‌های زاگرس بنا شده است (تصویر ۴).



تصویر ۳. تبیین رابطه میان فرهنگ، زیست‌بوم و رفتار. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. نتایج آزمون آلفای کرونباخ شاخص‌های مورد مطالعه. مأخذ: نگارندگان.

متغیر مورد مطالعه	مؤلفه‌های سطح اول فرهنگی	مؤلفه‌های سطح دوم فرهنگی	مؤلفه‌های سطح سوم فرهنگی
آزمون آلفای کرونباخ	۰/۸۲۱	۰/۶۵۴	۰/۷۳۸

جوار مزار و چله‌خانه پیرشالیار برگزار می‌شود. واژه «کومسای» در زبان هورامی از دو کلمه «کو» به معنی جمع‌شدن و مجمع و «مسی» به معنی یادگیری تشکیل شده و می‌توان معنای مجمع یادگیری و یادآوری را از آن استخراج کرد. باتوجه به فرهنگ کوچ نشینی و هوارنشینی فصلی (به بیلاقات اطراف هورامان هوار می‌گویند). هر ساله در اواسط فصل بهار مردم روستا را ترک کرده و به هوارهای دور و نزدیک منطقه کوچ می‌کردند و حداقل ۶ ماه از فصول سال را از همدیگر دور بودند و قبل از کوچ و جداشدن از همدیگر در جلسه‌ای به دور هم جمع شده و امورات و سمت‌های ضروری جامعه، مانند کدخدا، چوپان، آبدار باغات، نگهبان روستا و ... را بین خود تقسیم می‌کردند (تصویر ۶).

• سطح سوم فرهنگی جهان‌بینی و ادراکات

سطح سوم شامل، ارزش‌ها، باورها، تفکرات و معانی در ذهن اهالی این منطقه است، که می‌توان از آن به عنوان جهان‌بینی نام برد، و در ادامه به بررسی آن پرداخته شده است.

در هورامان حضور نیروهای طبیعت حضوری قوی بوده و هر سویی چشم‌اندازی محسوب می‌شود که خداوند در آن حضوری ناظر بر انسان دارد. انسان‌ها با ایجاد تراس‌هایی در طبیعت مکان‌هایی برای زندگی، کشاورزی و باغداری ایجاد می‌کنند. در چنین مکان‌هایی، منظر عمومی و چشم‌انداز، تحقق خاطره‌انگیزی و اجتماع‌پذیری میسر خواهد شد و در نهایت هویت بومی و ادراکات جمعی بر مبنای آن شکل می‌گیرد.

محیط مصنوع هورامان تخت به صورت تک‌بنا و انفرادی قابل تعریف نیست بلکه در قالب توده و مجتمع واجد ارزش است و این بر اساس مبانی اصولی و جهان‌بینی ناشی از راهنمایی‌ها و ارشادات پیرشالیار که به‌شدت با رفتارهای فردی و مطرح‌کردن «منیت» افراد مبارزه کرده،



تصویر ۵. برگزاری مراسم پیر شالیار بر روی پشت بام‌ها. مأخذ: <https://fa.wikipedia.org>



تصویر ۴. معرفی منطقه هورامان تخت. مأخذ: نگارندگان.

در قالب یادآوری خاطرات در امروز است. پیرشالیار یکی از شخصیت‌های اسطوره‌ای و مقدس در هورامان است که خانه - آرامگاه منسوب به وی از اماکن مقدس هورامان تخت محسوب می‌شود. آیین‌ها و رسوم مربوط به برقراری مراسم پیرشالیار از دیرباز تاکنون تداوم یافته و با مشارکت اجتماعی مردم برگزار می‌شود که این اصل تأکیدی بر ساختار شیوه زندگی و آداب و رسوم مردم این منطقه دارد.

• سطح دوم فرهنگی، هنجارها

سطح دوم شامل، استانداردها، بایدها و نبایدها در این منطقه است، که می‌توان از آن به عنوان عرف و قوانین نام برد،

- عروسی پیر شالیار

مراسم عروسی پیرشالیار در نیمه بهمن ماه هر سال و در سه مرحله برگزار می‌شود. آغاز مراسم روز چهارشنبه است. بامداد روز نخست غذایی دسته‌جمعی در روستا پخته و بین ساکنین تقسیم می‌شود. نیمروز روز دوم گروه‌های دفزن شروع به دفزنی می‌کنند و نوجوانان، جوانان و پیران دست در دست هم زنجیره‌ای بزرگ را تشکیل داده و با حرکتی نمادین همبستگی همیشگی خود را به نمایش می‌گذارند. در روز پایانی نیز مردم تا شب به رقص می‌پردازند و ساعاتی از شب را که به آن شب‌نشست می‌گویند در خانه پیرشالیار می‌گذرانند. پیرشالیار مفهومی است که روح هورامان را سبز گردانیده است و در میان برف و سرما در فصل زمستان، مردم را به سوی خود جذب کرده و در حصار پر از برف هورامان، نوید بهار و مراسم کومسای را می‌دهد (تصویر ۵).

- مراسم کومسای

مراسم کومسای در پانزدهم اردیبهشت ماه هر سال در

سنجش رابطه میان فرهنگ و خانه به عنوان مهم‌ترین عنصر در معنادهی به الگوی زندگی بومی

چگونگی شکل مصنوع در هورامان تخت خود را در قالب فرم معماری خانه‌ها و همچنین ترکیب آن‌ها با محیط طبیعی بروز می‌دهد. کیفیت عمومی خانه‌ها عبارت است از چسبندگی و نفوذ به درون زمین که در میان اشکال سرکش کوهستان احساسی دال بر امنیت و اعتماد به نفس را در ناظر بر می‌انگیزد و به قول باشلار خانه در پناه کوه نشسته است، گویی کوه‌ها آن را در بر گرفته‌اند (باشلار، ۱۳۹۲، ۷۹). خانه‌های هورامان تخت غالباً یک ساختار دوطبقه را شکل داده‌اند که به صورت ردیفی، پله‌ای و بدون حیاط مطابق اصول ساخت‌وساز سنتی و بومی ساخته شده‌اند (تصویر ۸). برجسته‌ترین عنصر در این ساخت‌وسازها سنگ است که در محل موجود است. بخشی از فضاهای خدماتی در دل کوه جا می‌گیرند و فضاهای اقامتی روی آن‌ها استقرار می‌یابند و با سقفی تخت پوشانده می‌شوند. این سقف در نقش حیاط برای واحد بالایی و معبر عمومی ظاهر می‌شود. خانه‌های هورامان با برخاستن از زمین و ایستادگی در آسمان، و ایجاد گشودگی در دیوارها در جهت ارتباط درون و برون، حقیقت مکان را عیان ساخته است (تصویر ۹).

یافته‌های تحقیق

پس از کشف و تبیین مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر در منطقه هورامان به بررسی میزان تعلق خاطر ساکنین به مؤلفه‌های مذکور پرداخته و سپس امتیازدهی به جایگاه سه سطح فرهنگ در این منطقه انجام شده است. در بخش یافته‌های پژوهش ابتدا به یافته‌های توصیفی و پس از آن در بخش تحلیلی از آزمون T استفاده می‌شود. آزمون T تک نمونه‌ای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یک نمونه از جامعه وجود دارد و محقق بخواهد میانگین آن را با یک حالت معمول و رایج استاندارد و یا حتی یک عدد مورد انتظار مقایسه کند (نایی، ۱۳۸۸، ۱۹) به عبارت دیگر، زمانی که محقق قصد داشته باشد میانگین یک متغیر در پژوهش را با یک میانگین تعیین شده مقایسه کند از آزمون T تک نمونه‌ای بهره می‌گیرد در این تحقیق برای آزمون T میانگین نمونه با مقدار (3) که مقدار متوسط در نظر گرفته شده است مورد مقایسه قرار می‌گیرد (کریمی، ۱۳۹۴، ۲۲۲)، چنانچه میانگین هر کدام از ابعاد تحقیق بیشتر از مقدار ۳ باشد و دارای اختلاف معنی‌داری با این مقدار تعیین شده باشد شاخصه مورد بررسی به لحاظ کیفی از نگاه انسانی رضایت‌بخش بوده است. در بخش توصیفی



تصویر ۶. مجمع مشورتی کومسای در آرامگاه پیر. مأخذ: <https://kurdistan.iqna.ir/fa/news/4054790>

شکل گرفته است. زیرا در آیین او، می‌بایست «من»‌ها تبدیل به «ما» بشوند (محمودپور، ۱۳۹۴، ۱۱۲). ساختن براساس چنین باورهایی به معنای اولویت‌دادن به نقش تک‌دانه‌ها (خانه) در کل مجموعه و مجتمع است. این شیوه معماری یک کل یکپارچه است که در آن دانه‌های معماری در ارتباط با هم کار می‌کنند و نمی‌توان مرزی بین آن‌ها متصور شد. این ویژگی خود را در پدیده‌ای به نام «بام-حیاط - معبر» بروز می‌دهد. استفاده از پشت‌بام جنوبی به عنوان حیاط واحد شمالی و همچنین به عنوان معبر و عدم مرزبندی بین عرصه‌های شناخته‌شده از مهم‌ترین راه‌کارهای ایجاد سهولت برای حرکت و حضور پیاده در کل بافت است. در این معابر زندگی همیشه در جریان است و سرزندگی از ویژگی‌های اصلی آن است. رفتارهایی نظیر بازی کردن، صحبت کردن، نشستن و تفریح کردن و تعامل در رفتارهای اجتماعی، گونه‌های مختلفی از عملکردها و نیازهای جمعی، و مهم‌تر از همه، بخشی از فعالیت‌های روزمره خانواده‌ها در این معابر/حیاط‌ها انجام می‌شود (حمه جانی، بایزیدی و سبحانی، ۱۳۹۶، ۵۴).

بخشی دیگر از هویت هورامان تخت در نحوه ارتباط سکونتگاه با چشم‌انداز و محیط طبیعی شکل می‌گیرد. تبعیت از توپوگرافی و شیب زمینه در این منطقه به حدی است که مهم‌ترین شاخص تعیین الگوی دانه‌های معماری است و ورودی و شکل کالبدی خانه کاملاً تحت تأثیر آن است. هماهنگی با طبیعت از لحاظ مصالح، رنگ و شیوه اجرا نیز از ارزش‌های حائز اهمیت است. در این شیوه تبعیت از طبیعت و هماهنگی با آن باعث شده است که الگوی کلی معماری هورامان تخت، یک معماری درهم‌تنیده و در ارتباط با هم را شکل دهد (تصویر ۷).

باید بیان داشت که با توجه به هدف اصلی این پژوهش یعنی تأثیر عناصر فرهنگی بر ادراک انسانی، سؤالاتی مبنی بر این مسئله مطرح و در جامعه مورد مطالعه ۳۰۰ نفر از ساکنان هورامان پخش شد. بازه سنی پاسخگویان (تصویر ۱۰) در بیشترین حالت رده سنی ۵۰-۶۰ سال و کمترین مربوط به سن ۱۰-۰ سال بوده است. در بخش تحلیلی به منظور پاسخ به فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار بین عناصر فرهنگی موجود در بافت بومی و ادراک مثبت کاربران به بررسی و سنجش مؤلفه‌های مؤثر در ادراک براساس مستخرجات تصاویر ۲ و ۹ براساس آزمون تک‌گروهی T با میانگین مورد انتظار ۳ مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

• مؤلفه اول: سنجش سطح اول مؤلفه‌های فرهنگی (عینی و محسوس)

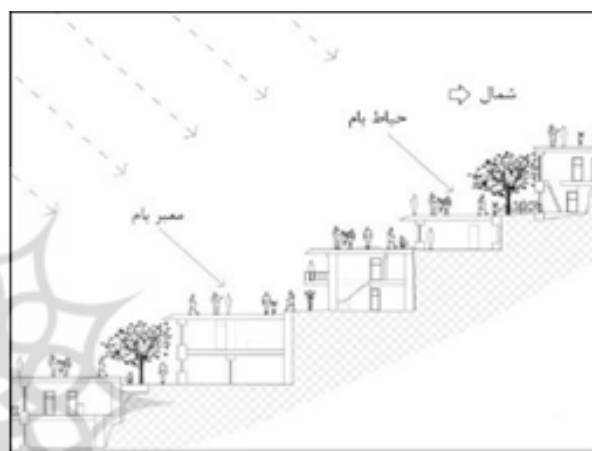
برای سنجش مؤلفه‌های سازنده در سطح اول که شامل دیدگاه‌های عینی و محسوس هستند که خروجی آن شامل روش زندگی است، از نگاه ساکنان به بررسی ۵ زیرمؤلفه پرداخته شد که نتایج حاصل از آن (جدول ۲) نشان می‌دهد که وابستگی به آداب و رسوم موجود در منطقه هورامان از منظر ساکنین با $x=92/3$ و $t=95/6$ و $\sigma=0001/0$ (sig) و ایجاد شیوه زندگی و زیست بر مبنای خصوصیات موجود در بافت منطقه کردستان و هورامان $x=21/3$ و $t=57/5$ و $\sigma=0001/0$ (sig)، وابستگی و تعلق خاطر مثبت به اماکن مقدس منطقه $x=14/3$ و $t=14/5$ و $\sigma=0001/0$ (sig) و همچنین داشتن ارتباط قوی و مؤثر با پیرها $x=19/3$ و $t=46/5$ و $\sigma=0001/0$ (sig) بالاتر از حد متوسط ۳ قرارداد که نشان از مطلوبیت این عناصر در فضای زندگی ساکنان هورامان دارد است و تنها مؤلفه هنر خاص بر مبنای بافت فرهنگی و جغرافیایی منطقه $x=84/1$ و $t=4/8$ و $\sigma=0001/0$ (sig) پایین‌تر از میانگین واقع شده است و بیانگر عدم موفقیت این مؤلفه در سطح اول فرهنگی این منطقه است.

• مؤلفه دوم: سنجش سطح دوم مؤلفه‌های فرهنگی (هنجارها و قوانین)

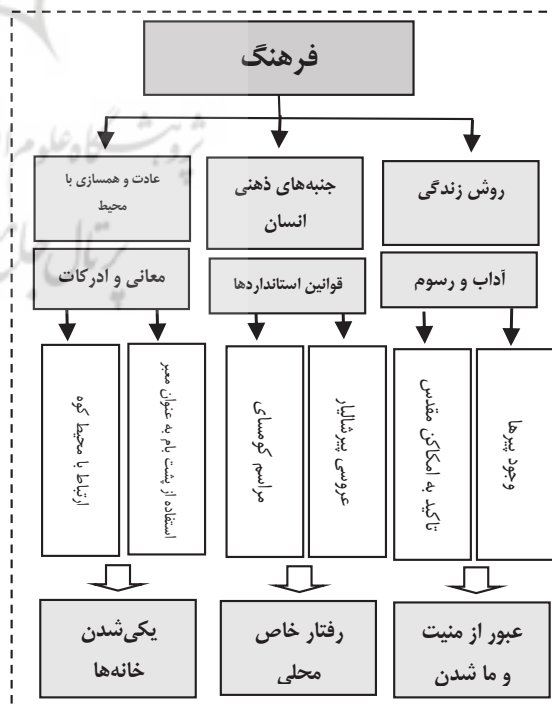
برای سنجش مؤلفه‌های سازنده در سطح دوم که شامل قوانین و هنجارهاست که بر مبنای جنبه‌های ذهنی انسان منجر به ایجاد رفتار خاص محلی می‌شود به بررسی ۴ زیرمؤلفه پرداخته‌ایم که نتایج حاصل از آن (جدول ۳) نشان می‌دهد که شاخصه وابستگی و پیروی از قوانین و عرف در بافت محلی منطقه هورامان و فضای آن $x=3/12$ و $t=5/11$ و $\sigma=0/001$ (sig)، رعایت بایدها و نبایدهای اجتماعی (ضوابط) بر مبنای الگوهای اجتماعی و رفتاری $x=3/42$ و $t=6/45$ و $\sigma=0/001$ (sig) و تأکید ساکنان بر مشارکت و حضور در آیین و مراسم محلی نظیر



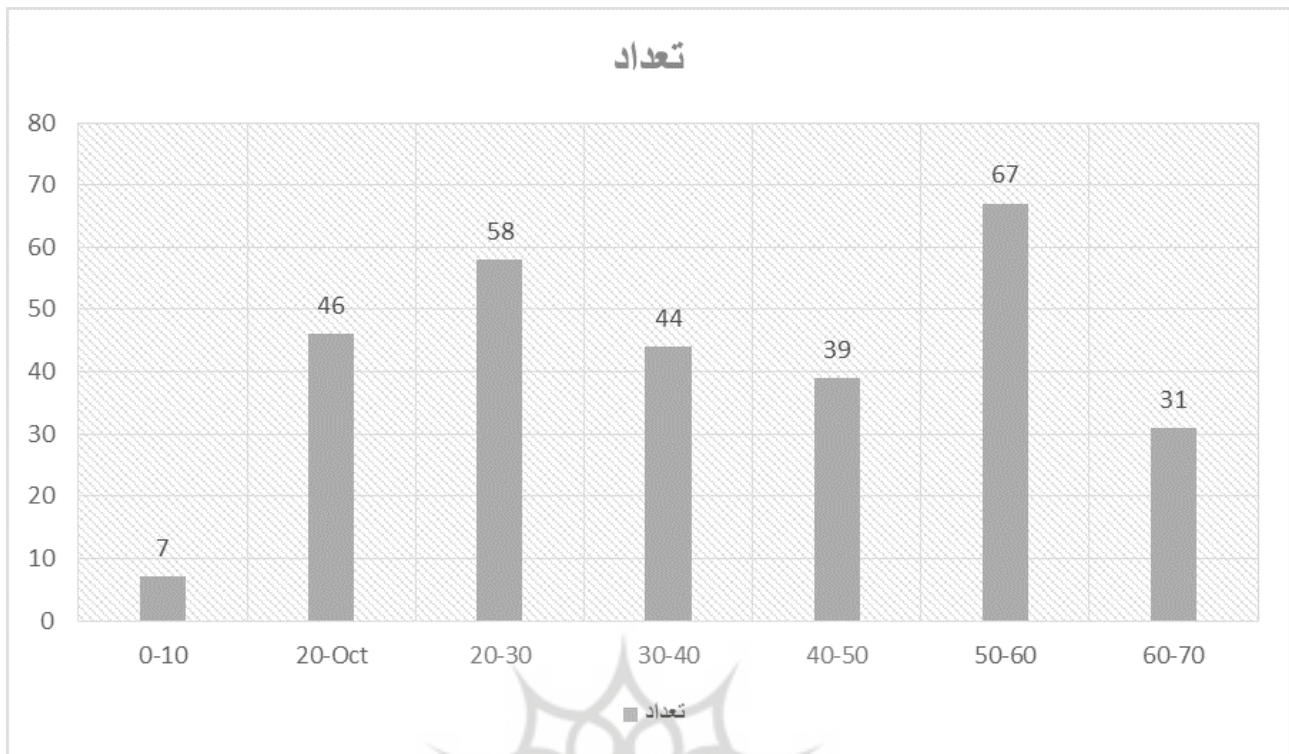
تصویر ۷. ساختار مصنوع و پیوند آن با طبیعت. مأخذ: <https://kurdistan.iqna.ir/fa/news/4054790>



تصویر ۸. ساختار عمومی خانه‌ها و پیوند با کوه. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۹. مدل مفهومی فرهنگ در هورامان. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۰. توزیع سنی شرکت کنندگان. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۲. سنجش میزان موفقیت مؤلفه‌های عینی و محسوس. مأخذ: نگارندگان.

متغیر مورد مطالعه	میانگین پاسخ‌ها	میانگین مورد نیاز	T	DR	sig
وابستگی به آداب و رسوم موجود در منطقه هورامان	۳/۹۲	۳	۶/۹۵	۱۴۹	۰/۰۰۰۱
وجود هنری خاص بر مبنای بافت هنری منطقه	۱/۸۴	۳	۸/۴	۱۴۹	۰/۰۰۰۱
ایجاد شیوه زندگی و زیست مبنی بر خصوصیات منطقه کردستان و بافت هورامان	۳/۲۱	۳	۵/۵۷	۱۴۹	۰/۰۰۰۱
وابستگی به فضاهای مقدس منطقه	۲/۲۶	۳	۱/-۰۶	۱۴۹	۰/۰۰۰۱
ارتباط غنی و مثبت با پیرها	۳/۱۴	۳	۵/۱۴	۱۴۹	۰/۰۰۰۱

جدول ۳. سنجش میزان موفقیت مؤلفه‌های فرهنگی بر مبنای قوانین و هنجارها. مأخذ: نگارندگان.

متغیر مورد مطالعه	میانگین پاسخ‌ها	میانگین مورد نیاز	T	DF	sig
وابستگی و پیروی کردن از قوانین محلی و عرف‌های موجود در بافت هورامان	۳/۱۲	۳	۵/۱۱	۱۴۹	۰/۰۰۰۱
رعایت بایدها و نبایدهای اجتماعی بر اساس الگوهای رفتاری	۳/۴۲	۳	۶/۴۵	۱۴۹	۰/۰۰۱
تأکید بر حضور و شرکت در مراسم محلی پیر شالیار و کومسای	۳/۳۹	۳	۵/۴۱	۱۴۹	۰/۰۰۲
توجه به ارزش‌های جمعی و فرهنگی منطقه و پیروی کردن از آن	۳/۴۸	۳	۶/۳۶	۱۴۹	۰/۰۰۰۱

جشن‌هایی مانند مراسم پیر شالیار و کومسای ($x=۳/۳۹$ و $t=۶/۳۶$ و $sig=۰/۰۰۱$) بالاتر از حد متوسط قرار گرفته‌است که بیانگر این است که هر چهار مولفه مؤثر در ایجاد هنجارها و قوانین فرهنگی از نگاه کاربران مهم بوده و رعایت می‌شود.

جشن‌هایی مانند مراسم پیر شالیار و کومسای ($x=۳/۳۹$) و همچنین توجه افراد و پیروی از ارزش‌های جمعی و فرهنگی منطقه که در گذر زمان بر مبنای ویژگی‌های سازنده هویتی و فرهنگی شکل گرفته‌اند

جدول ۴. سنجش موفقیت مؤلفه‌های سوم فرهنگی. مأخذ: نگارندگان.

متغیر مورد مطالعه	میانگین پاسخ‌ها	میانگین مورد نیاز	T	DF	sig
وجود ارتباط خاص در ایجاد خانه‌ها و اجرای آن بر مبنای معانی و ارزش‌های قومی	۳/۱۰	۳	۴/۹۲	۱۴۹	۰/۰۰۰۱
وجود ارتباط خاص در ارتباط با طبیعت و زیست در این منطقه براساس ادراک و باور فردی	۳/۶۴	۳	۶/۳۲	۱۴۹	۰/۰۰۰۱
ارتباط معنادار با فضای خارج نظیر بام و معابر به عنوان عرصه معنی‌بخش به فعالیت‌ها	۲/۸۶	۳	۱/۲۷	۱۴۹	۰/۰۰۰۱
ارتباط با منطقه و اهالی ساکن در هورامان بر اساس تفکرات و ارزش‌ها و معانی موجود هورامان	۳/۳۲	۳	۶/۱۱	۱۴۹	۰/۰۰۰۱

• مؤلفه سوم: سنجش سطح سوم مؤلفه‌های فرهنگی (معانی و ادراکات)

برای سنجش مؤلفه‌های سازنده در سطح سوم که شامل معانی و ادراکاتند که بر مبنای عادت و همسازی با محیط انسان منجر به ایجاد و یکی شدن خانه‌ها و ارتباط مثبت با محیط معماری می‌شود، چهار زیرمؤلفه بررسی شده که نتایج حاصل از آن (جدول ۴) نشان می‌دهد که مؤلفه وجود ارتباط خاص در ایجاد و شکل‌دهی خانه‌ها و اجرای آن براساس معانی و ارزش‌های قومی و فرهنگی ($x=3/10$ و $t=4/92$ و $sig=0/0001$) و وجود ارتباط خاص با طبیعت و زیست افراد بر اساس ادراکات فردی و باورهای قومی ($x=3/64$ و $t=6/32$ و $sig=0/0001$) و همچنین ارتباط میان ساکنین و اهالی منطقه براساس تفکرات و ارزش‌ها و معانی موجود در بافت منطقه هورامان ($x=2/86$ و $t=1/27$ و $sig=0/0001$) و $t=6/11$ و $sig=0/0001$) در درجه مطلوب واقع شده‌اند و تنها مؤلفه ارتباط معنادار میان فضای خارج نظیر بام و معابر به عنوان عرصه معنابخش به فعالیت‌ها ($x=2/86$ و $t=1/27$ و $sig=0/0001$) در درجه متوسط قرار دارد که این نتایج نشان می‌دهد مؤلفه‌های ادراکی که منجر به ایجاد ارتباط با محیط و دیگران می‌شود از نگاه ساکنین در درجه مناسبی قرار داشته و جزء الزامات زندگی به شمار می‌رود.

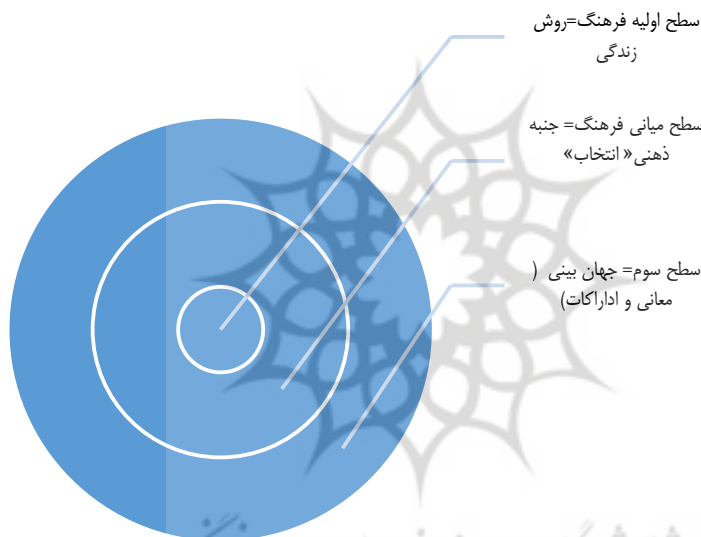
نتیجه‌گیری

حضور فرهنگ در فضاهای در زندگی انسان به واسطه عناصر متعددی معنا می‌یابد، که برای نمونه می‌توان به حضور مؤلفه‌های مؤثر در یک بافت و منطقه جغرافیایی اشاره کرد، می‌توان سطوح سازنده فرهنگ در هر منطقه را در سه مرتبه

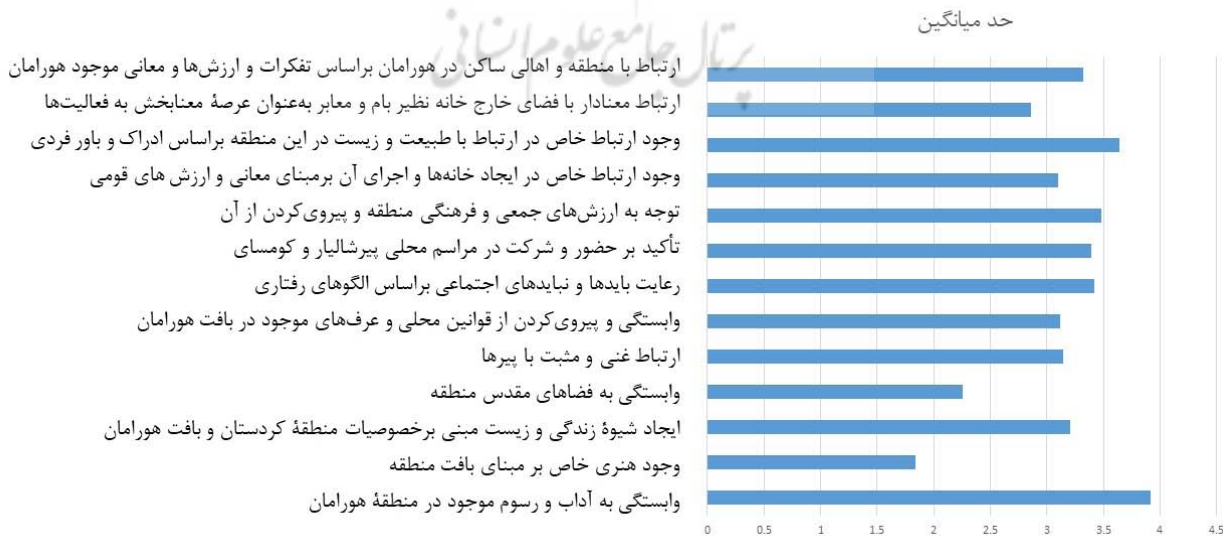
طبقه‌بندی کرد، که اگر طبقه اول درست شکل گیرد، ساختار سطح دوم و سوم را ایجاد می‌کند. در سطح اول فرهنگ هر منطقه، اولین بازخوردها ایجاد مؤلفه‌های ذهنی است که افراد در شرایط مختلف عموماً مواردی را انتخاب می‌کنند که با ساختارهای ذهنی آنها در انطباق است. می‌توان چنین پنداشت که فرهنگ انسان مولد انتخاب‌های مختلف وی است که در اولین اتفاق ریشه در امور محسوس و عینی دارند، به عبارتی فرهنگ هر فرد در قدم اول بر مبنای آداب و رسوم و شیوه زندگی در ارتباط با مصنوعات، مکان، و دستاوردهای فردی و جمعی یک قوم شکل می‌پذیرد. مولدهای انتخاب در معرض یک نظام ارزشگذاری شامل مجموعه‌ای از باید و نبایدها، قوانین، هنجارها و انتظارات تحت انتخاب است که مناسب و نامناسب را تعیین و قضاوت و ارزش‌گذاری می‌کند. به این مرحله می‌توان سطح دوم یا میانی فرهنگ نام داد. سطح میانی فرهنگ، عامل انتقال مفاهیم عالی فرهنگی به اجزای عینی رفتاری و کالبدی موجود در فضا است. این فرایند از طریق مفهوم «انتخاب» انجام می‌شود؛ به این معنی که انسان‌ها به منظور برآورده ساختن خواسته‌ها و نیازهای مادی و غیرمادی خود، از میان گزینه‌های موجود مواردی را برمی‌گزینند که با مفاهیم ذهنی و ایده‌آل‌های آنها سازگار باشد. این ایده‌آل‌ها از طریق مجموعه‌ای از قوانین، هنجارها و باید‌ها، نبایدها و... تجسم کالبدی می‌یابند. مرحله‌ای که در آن هنجارها و استانداردها در یک منطقه رشد می‌کند و تکثر می‌یابد که نمود آن ایجاد رفتار خاص محلی است. بعد از ایجاد و شکل‌گیری هنجارها و استانداردهای قومی و فرهنگی در یک منطقه الگویی تحت عنوان جهان‌بینی زاینده می‌شود، مصادیقی که بر مبنای معانی، ارزش‌ها و تفکرات و باورهای فردی و جمعی در یک منطقه رواج می‌یابد و از آن

که به سطح عالی فرهنگ (سطح سوم) دست یافته‌اند (تصویر ۱۱). همچنین نتایج نهایی تحقیقات میدانی نیز نشان می‌دهد که در سطح اول فرهنگ، تمامی مؤلفه‌ها بر مبنای بافت فرهنگی و جغرافیای منطقه در حد مطلوبی از منظر فرهنگی ذهنی ساکنین هورامان قرار دارد. در سطح دوم که شامل هنجارها و قوانین هستند در نهایت مفهوم انتخاب را می‌سازند در حد مطلوب و عالی قرار گرفته‌اند و در سطح سوم نیز که جهان‌بینی ساکنین را معنا می‌کند، تمامی مؤلفه‌ها در حد مطلوب قرار دارند و تنها ارتباط معنادار میان فضای خارج خانه نظیر بام و معابر به عنوان عرصه معنی‌بخش به فعالیت‌ها در حد متوسط قرار گرفته است (تصویر ۱۲).

به عنوان سطح سوم فرهنگ یاد می‌شود. این سه سطح از فرهنگ می‌تواند منجر به تمایز فرهنگ بومی در هر منطقه از جغرافیای ایران شود. به همین منظور در تحلیل فرهنگ بومی منطقه هورامان که محدوده اصلی این پژوهش بوده است می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد، که این منطقه به لحاظ ساختار سطوح فرهنگی از سه سطح فرهنگی برخوردار بوده و ساکنین این منطقه نسبت به مؤلفه‌های ایجادکننده فرهنگ تعلق خاطر دارند و در گام نخست با مؤلفه‌های سازنده ارتباط ذهنی برقرار کرده‌اند و سپس از طریق فرایند مفهوم «انتخاب» آن را به هنجار و قانون زندگی خویش بدل کرده‌اند و سپس به جهت ایجاد تبیین هویت شاخص فردی و محلی، باورها و ارزش‌هایی را بر خود و ساختن محیط مصنوع خود برگزیده‌اند



تصویر ۱۱. تقسیم‌بندی سطوح فرهنگ. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۲. بررسی موفقیت شاخص‌های فرهنگی در هورامان. مأخذ: نگارندگان.

پی نوشت ها

1. Edward Hall
2. Amos Rapaport
3. Adaptation
4. Alexander
5. Congruence
6. life style

فهرست منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۹۶). هایدگر و پرسش بنیادین. تهران: مرکز.
- افشاری، محسن؛ پوردیهیمی، شهرام و صالح صدق پور، بهرام. (۱۳۹۴). سازگاری محیط با روش زندگی انسان (یک چارچوب نظری، یک مطالعه موردی). مسکن و محیط روستا، (۱۵۲)، ۱۶-۳.
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۱). معماری و راز جاودانگی، راه بی زمان ساختن. (ترجمه مهرداد. قیومی بیدهندی) تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۱). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: آگاه.
- ایلینکوف، اوالدواسیلیویچ. (۱۳۹۸). تفکر و منطق دیالکتیک: گفتارهایی درباره تاریخ و نظریه آن. (ترجمه بهمن اصلاح‌پذیر). تهران: روزآمد.
- باشلار، گاستون. (۱۳۹۲). بوطیقای فضا (ترجمه مریم کمالی و مسعود شیربچه). تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- پرتوی، پروین و آزاد، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی جایگاه میادین تهران در حفظ و ارتقای خاطره جمعی شهروندان (نمونه موردی: میدان تجریش و میدان بهارستان). مطالعات شهری، (۴)، ۱۲-۱.
- ترینان‌دیس، هری. (۱۳۷۸). فرهنگ و رفتارهای اجتماعی (ترجمه نصرت فتی). تهران: رسانش.
- حسینی، سید قاسم. (۱۳۹۵). مطالعه جامعه‌شناختی درک و تصور دانشجویان از هویت بومی در مازندران (مطالعه موردی دانشجویان بومی دانشگاه مازندران). مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، (۳)، ۲۳-۹.
- حمه جانی، یوسف؛ بایزیدی، قادر و سبحانی، جلیل. (۱۳۹۶). مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی معماری هورامان تخت از منظر نشانه‌شناسی. باغ نظر، ۱۴ (۵۷)، ۴۵-۶۲.
- خاکپور، مژگان؛ انصاری، مجتبی؛ شیخ‌مهدی، علی و طاووسی، مهدی. (۱۳۹۴). ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی مسکن بومی. مسکن و محیط روستا، (۱۴۹)، ۱۲-۳.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۸). پیمایش در تحقیقات اجتماعی (ترجمه هوشنگ نابی). تهران: نی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۷). فرهنگ لغات فارسی. تهران: آیندگان.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مسکن (ترجمه خسرو افضلیان). تهران: حرفه هنرمند.
- عسگری خانقاه، اصغر و شریف کمالی، محمد. (۱۳۹۰).
- انسان‌شناسی عمومی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- علی‌محمدی، غلامرضا و عبدالهی، رکسانا. (۱۳۹۶). تبیین مبانی نمود فرهنگ در معماری بومی ایران و ارتباط آن با ایجاد حس تعلق به مکان. مدیریت شهری، ۱۷(۵۰)، ۳۳-۴۶.
- فدائی‌نژاد، سمیه؛ حناچی، پیروز؛ رضانی، لاله و نظام، مهدیار. (۱۳۹۶). بازشناسی مفهوم ارزش در حفاظت منظر فرهنگی اورامان تخت. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۷(۱)، ۳۱-۵۰.
- لنگ، جان. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط (ترجمه علیرضا عینی‌فر). تهران: دانشگاه تهران.
- گاردنر، هوارد. (۱۴۰۱). تغییر ذهنها، هنر و علم تغییر ذهن خود و دیگران (ترجمه سید کمال خرازی). تهران: نی.
- کوزولین، آکس. (۱۳۸۱). روان‌شناسی ویگوتسکی: سیر و تحول اندیشه‌ها (ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده). تهران: ارجمند.
- کریمی، رامین. (۱۳۹۴). راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS. تهران: هنگام.
- مولانایی، صلاح‌الدین و سلیمانی، سارا. (۱۳۹۵). عناصر باارزش معماری بومی منطقه سیستان بر مبنای مؤلفه‌های اقلیمی معماری پایدار. باغ نظر، ۱۳ (۴۱)، ۵۷-۶۷.
- محمودپور، رئوف. (۱۳۹۴). پیرشالیار و جشن باستانی پیر در هورامان. تهران: احسان.
- نجار نجفی، الناز. (۱۳۹۴). ساختن و ساخته‌شدن: بازنگری در مفهوم فرهنگ و نسبت آن با معماری (رساله منتشرنشده دکتری معماری). دانشکده معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
- نیکقدم، نیلوفر. (۱۳۹۴). استخراج الگوهای اقلیمی فضاهای عملکردی در خانه‌های بومی بندر بوشهر با به کارگیری نظریه داده‌بنیاد. باغ نظر، ۱۲(۳۲)، ۷۷-۹۰.
- نابی، هوشنگ. (۱۳۸۸). آمار توصیفی برای علوم اجتماعی. تهران: سمت.
- هنری، جان. (۱۳۸۱). انسان و بحران هویت (ترجمه ناصر محمدیان). تهران: انتشارات چاپخش.
- Altman, I. & Chemers, M. M. (1984). *Culture and Environment*. London: Cambridge University Press.
- Abdel-Azim, G. G. & Osman, Kh. A. (2018). The Importance of Cultural Dimensions in the Design Process of the Vernacular Societies. *Ain Shams Engineering*, 9 (4), 2755-2765.
- Glassic, H. (2000). *Vernacular Architecture*. Indiana: Indiana University Press.
- Heath, K. (2009). *Vernacular Architecture and Regional Design: Cultural Process and Environmental Response*. Oxford, UK: Elsevier Ltd.
- Mckee, J. B. (1969). *Introduction to Sociology*. Holt Rinehart & Winston Inc. Introduction to sociologyMsn Encarta Dic. Retrived Jun 6, 2022, from www.Msn.com.

- Oliver, P. (2006). *Built to Meet Needs, Cultural Issues in Vernacular Architecture*. Oxford, UK: Elsevier Ltd.
- Rapoport, A. (2003). *Cultura, Arquitectura y Diseño*. Barcelona: Edicions de la Universitat Politècnica de Catalunya.
- Rapoport, A. (2007). The Nature of the Courtyard House: A Conceptual Analysis. *Traditional Dwellings and Settlements Review*, 18(2), 57-72.
- Shchein, E. H. (2010). *Organizational Culture & Leadership*. San Francisco: John Wiley & Sons.
- Veblen, T. (1899). *Theory of the Leisure Class*. Oxford: Oxford University Press.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
کدخدامحمدی، امیر؛ دولت‌آبادی، فریبرز و کابلی، هادی. (۱۴۰۲). بررسی و تبیین الگوهای فرهنگ‌ساز در زندگی مناطق بومی ایران زمین (مورد مطالعه: منطقه هورامان). *باغ نظر*، ۲۰(۱۲۱)، ۵۵-۶۸.

DOI:10.22034/BAGH.2023.356388.5243
URL:http://www.bagh-sj.com/article_166840.html

